

دیگران



عکاسی جنگ غالبا با تصاویر سیاه و سفیدی . حادثه گرفته شدهاند، مثل عکسهای ۱رابرتُ کاپا۱ از حملــه متفقین به نُرماندی و مرگ یک چریک در جنگ داخلی اسپانیا همراه است. ب برر. چنین عکسهایی کاپا را به یکی از مشهور ترین عکاس خبرنگارهای همه دوران تبدیل کرد. با صنا عبورت بدین می مناس بدین برایی این مورد یا این مهدی او دیگر می کاس خبرنگار هایی که برای مستند کردن حوادث در نقطه وقوع معروفند از «نمایشگاه جنگ، زمان، عکاسی» در نمایشگاه «مدرن تیت ۱ » لندن غایب هستند به جای آنها، تمر کز اصلی روی کسانی است که پس از دقیقه ها، ماهها، سال ها و حتى دهه ها به محل حادثه نگاهي ر دوباره داشتهاند.

. معدود گالریهای ابتدای نمایشگاه، بیشت ب معمود دار عرضه می کنند، بیشـــتر بــه این علت اطلاعات را عرضه می کنند، بیشـــتر بــه این علت که در این بخشها تصاویر عکاســانی نشـــان داده ود كه بلافاصله پُسُ از انفجار، عكسها ثبت دهاند. چشــمانداز بســيار بزرگي توسط لوک دالاهی درسال ۲۰۰۱ ابری اُز دُودهای سیاه را بر فراز منطقهای در افغانستان نشان میدهد-ر ر ر ر ر من تایی که درست پس از بمباران مواضع طالبان توسط نیروهای آمریکایی گرفته شد روی دیوار مقابل آن، تصویر قـارچ متراکم بالای آسمان هیروشیما قرار دارد که درسال ۱۹۴۵ در کمتر از ۲۰ دقیقه پس از بمباران اتمی هیروشیما توسط پسری ۱۷ ساله گرفته شده

گروه بعدی عکس ها نســبتا دیر تر ثبت شدهاند. ویرانی کلیسای جامع Reims در جنگ جهانی اول در سری تصاویر زیبای « پی یر آنتونی تورت» ماهها پس از پایان جنگ به تصویر کشیم

تصاوب حبورج بارنبارد از آمریکای جنوب درسال ۱۸۶۶ در چارلستون ۲، یکسال پس از پایان جنگ داخلی گرفته شدند و هر دو تصاویر "" پی پر آنتونی و جورج بارنارد، رمز آلوُد، تُرسُـناک، عجیب، زیبا و کلاسیک هستند. همان گونه که در

و تصاویسر آن طولانی تسر و نتیجه هـم نامتوازن می شمود. هنوز هم موضوعات پر کششسی مانند قربانیان زخم خـور ده بمبـاران ناکازاکی که طی سرِبرِنیسـکا، توسط «تاریان سـیمون» به تصویر کشیده شـدهاند - و یک دندان یا تکهای استخوان معرف هر کدام از اعضای به قتل رسیده خانواده سرت طرفدار دارند. اما نمایشگاه، تصاویر بسیار زیادی از آلمان و

ژاپن دارد که نکته مثبتی نیست. برخی از آنها مانند تصاویسری که «مایکل اشمیت» درسال ۱۹۸۰ از مناطری تا سیمنیافته برلیس به دلیل نزدیکی به دیسوار برلین گرفته، بسسیار بیرنگ و فاقد عناصر جذاب هستند. برخی نیز هیچ قرابتی







أمریکایی از ویرانیها نگاشته شده است- در

نجشنبه- ساعت ۱۳:۳۰ - بزرگسراه جلال

. ترافیک سنگیر: ۱٫۰٫۱ننده سمند زرد چراغ می دهدو

بهچهرهمن خیرهمی شود... زیر پل (گیشا)؟ سر تکان می دهدو تأییدمی کند.

باحُرُكُتْ آرامُ ترافيكُ،فرمان راميچُرخاندوجلوي

پایممی ایستد سوار می شوم... ظاهرا خیلی پیش تر از آن که من سوار شوم، با مسافری که در صندلی جلونشسته، صحبتش را

گار گر کارخانه بوده، پیشُ دایی اُم کار می کردم. برای

ایے ام بامدیر ، تقریبا ناامید شدہ بودم. موتور را برای

سی از کرد. خودم می خواست. در هر حال، حرفشان که تمام شد، دایی ام سری به نشانه تاسف تکان داد و گفت

ابریم، همین که برگشتیم و به سمت در خروجی گام برمیداشتیم، مدیر شسر کت، دایی ام را صدازد

و گفتُ: «چهره شـما خُیلی بُرایم آشناستُ «اسمُ و فامیل دایی ام را که پرسید، نشانی مدرسهای را داد

که در آنجا درس خوانده بود. از دایی ام پرسید: «تو

هم اونجا بودی؛ درسته؟» خلاصه... سـرترو درد نیارم...مدیرفروش شرکت موتورسیکلت سوزوکی،

" دراً همکلاســی دایی ام در آمد. بعد از کلی خوش وبش. رو به من کرد و گفت: «من خودم یک موتور سیکلت

ــوزوکی دارم که بهدردم نمی خورد. گذاُشتْمش ررو بی ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ تعاسیمس توی کارخونه. من خودم از ماشین شخصی استفاده می کنم می خواهی آدرس کارخانه را بدهم، بیایی و

یک نگاهی بیندازی؟ امن هم که دل توی دلم نبود، باخوشحالی پذیرفتم خلاصه ـ سرترودردنیارم... راننده همچنان حرف میزد و به نظرم میرسید ین تکه کلامش که «خلاصه- سرترو درد نیارم»

موتور بادايى به دفتر فروش رفته ب ر آن زمان، فروش نداشتند و بعداز صحبتهای

ه: أَرهُ خُلاصه سرترو دردنيارم، أن موقع من

شروع کردہ بود

ساخته شده و پارتیزانهای عرب به آن حمله کردند، انگار به زور به نمایشگاه سنجاق شدهاند، پنداری مسئولان نمایشگاه میخواستند مناطق بیشتری از جهان - یا عکاسان زن بیشتری - را تا آن جایی که امکان دارد، در نمایشگاه بگنجانند. کاپا در بخشی که توسط «آرشیو جدال های

ت درن۳۱ ایجاد شده، حضور مختصری دارد. مدرن۳۱ ایجاد شده، حضور مختصری دارد. عکسهای شناخته شده قبلی کاپا از صحنه ورود متفقین در نُرماندی۴ (D day) دقیقا کنار وررو مسمین در مرسطای ۱۰٫۰ سال می تا در در خرت و پرتهای نظامی از جمله قطعات یک زیر دریایی و کلاهخود آلمانی قرار گرفته است. نمایشگاه از بخش ادبی محکمی برخوردار است. در ابتدای ورودی آن، نسخه اولیه «سلاخخانه

شــماره ۵» - در مورد بمباران «درســدن» درسال ۱۹۴۵ نوشته «کورت ونه گات»۵ است که ۲۴سال پس از بمباران و بهعنوان مشاهدات یک زندانی





با موضوع نمایشگاه ندارند. تصاویر گرفته شده رین قرار دارد و در کنار آن سنگ نبشتهای ت که به بازدید کنندگان یادآوری می کندونه توسط « آورزلا شــویلز دانبورگ» درسال ۲۰۰۳ از مخروبههای راهآهن حجاز کــه در دوران عثمانی

گات، تا پایان زندگی خود، هر متن یا نوشتهای را با کلمه صلح «Peace» امضا می کرد و این همان پیامی است که بازدیدکنندگان نمایشگاه با خود

ی.ر \*نمایشگاه جنگ، زمان، عکاسی مدرن تیت لندن تا ۱۵ مارس ۲۰۱۵ برای بازدید همگان باز

\_\_\_\_ **پی نوشت:** ۱- Tate Modern ، گالسری هنری آثسار مدرن و

معاصر واقع در لندن-بریتانیا The Archive of Modern conflicts -Y سازمانی که اشــیا و موضوعات مربوط به صلح و جنگ را گردآوری می کند. ۳- Charleston، جنگهای داخلی آمریکا در شهر

چارلستون کالیفرنیای جنوبی شروع شد. یک کشتی 

ر ین بمبــاران Fort Sumterارتش آمریــکا را تحریک به دادن فراخوان وسیع نیرو و سر کوب شورشیان کرد. ۴-D- Day Landing، صبح زود روز ۶ژونن ۱۹۴۴ نرماندی فرانسه حمله کردند. هر چند که صخرههای و تيز و مقاومت شــديد آلمان از رسيدن متفقي به تمامی اهــداف جلوگیری کرد ولــی در پی این حمله، . در اواخر آگوست، پاریس آزاد شد و کمی پس از آن آلمان تسلیم شد. این حمله به D-Day معروف است.

۵- Kurt Vonnegut، کـورت ونه گات درســال ١٩٢٢ در اينديانــا پوليــس آمريــکا بــه دنيــا آمــد درســال ۲۰۰۷ در نیویــورک از دنیـــا رفــت. وی طی سالهای۱۹۴۵-۱۹۴۳ بهعنوان افسسر ارتش آمریکا ت کرد و اسمبر شد و اولیسن کتاب خود را درسال ۱۹۶۳ نوشت. وی برای صلحطلبی و بشر وستى خود بسيار معروف و رئيس افتخاري انجمن بشردوستان آمريكا بود.

بيشتر سرمسافر كنار دستراننده رادر دمى أورد

می فتی ، بعداز چند کیلومتر ، کار خونه رومی دیدی .

مىدونى،امابە نظرممى أدكه همون موقع هماس

اونجاشهر زيبابود امااون موقع همش بيابون وخاك

بود.موتــورگازی داییموگرفتم.مــن بایدمی رفتم میدون آزادی و از اونجامی رفتم میدون صادقیه. بعد

هم که دیگه وارد بیابون می شدم. همش خاک بود. باهمون موتورز پرتی،هلک وهلک تاکار خونه رفتم.

راننده خیلی آرام و شمرده صحبت می کرد. گاهی

هم تندتر حرف می زد. انگار سرعت حرف زدنش را با ســرعت ترافیک تنظیم می کــرد. گاهی هم که

به لهجــهاش حالت طنز مــے داد، از درون آینه بغل

راننده: , فتم و , فتم تا , سيدم به كا, خونه اونجا

فوُدمو معُرفي كُـردم و يُک آقايي من رُو تا يه جايي

ممراهی کــرد. یه جعبه بزرگ اونجـــا بود که موتور

توی اون بود اون موقع، موتور سروزو کی رو با جعبه می آوردن! همین که جعبه رو باز کرد، تا چشمم به این موتور سبز افتاد، دیگه کنتر لم دست خودم نبود،

ین مورور میروند. بهقدری این موتور خوشگل بود که حد نداره هنوز یادمه که ۶۶۵۰ تومن قیمتش بــود. من اون موقع

... ماهی۵هزار تومن حقوقه بود. حقوق کار گری ها! صحبتهایش راقطع کردم: ممنون آقا. من پیاده

آهســـتگی حرکت کرد. پیاده شــدم و کرایه را به او دادم. کرایه را که از دســتم گرفت، دوباره شروع کرد

۱۰ اننده:باشهچشر

فلاصه...سرترودردنيارم...

ر رسب بدردسترانندهراد راننده:میدونیآدرسش کجابود؟ مسافر:نه کجابود؟

راننده:َاز میدون ُدوم صادقیه به س

تاكسي نوشت

منبع: اكونوميست

خلاصه...سرترودردنیارم...

نگاه منتقد

در هزینه ها به دنبال استخدام آنها بهده نابراین از گروه نه گرچـه گویا پیـش از آغـاز کار یکـی، دو ماه

ر برت کرتی می کرد اما آنچه هر دو گروه آموزشهایی می بینند. اما آنچه هر دو گروه در آن یکسان هستند، این است که هیچ کدام

برای آموزشهای شهروندی، پرورش نیافته و

. به آموزشها در چاچــوب آموزشهای

## آموزگار-ساختار؛اماواگرهای آموزشهای شهروندی



زندگیُهای شـهری آمروز- مدرسه نخس رب عی سی سیهری شرور جایسی است که نوآموز با چارچوبهای تعریف شده و محدود کننده روبه رو شده و کنشهای گروهی و اجتماعی را تجربه می کند. اوج تواناییهای ارتباطی، پیش از سن مدرسه است اما بخش فراوانی از آن تا سالها پس از کودکی همچنان روبه رشد و شکوفایی است. بنابراین مدرسه نخستین و مهم ترین نهاد بسرای جامعه پذیسری، شهروندسسازی، آموزش هسای مدنسی و نهادینه کسردن اخلاق اجتُماعی در نوآموزان بوده و می تواند در بالندگی و البته سقوط اجتماعی فرد بسیار کارا باشد ً از این روست که یکی از هدفهای بنيادين أموزشوپرورش نوين، شهروندسازي و آموزش حقوق و مسئولیتهای شهروندی، اَموزُش کنشهای اخلاقی - انسانی با دیگران و پاسداشت و پاسداری از جانداران و محیطزیســت و... اســت. اکنون در بسیاری از کشـورهای پیشـرو در آموزش، بخشـی از ساعتهای آموزشیی برای چنین آموزههایی درنظـر گرفتـه شـده و اسـکلت برنامههای درُسىيُ برأُمده از آموزشُ هاى شُهروندى اسُـت. براُی نمونهٔ به نُوآمَــوزان فرصتُهایی داده میشــود تا در تعیین مقــررات کلاس ی ارایه پیشنهادهایی در شـورای مدرسه کمک کنند، با همکاری بچههای دیگر به گســترش یک سیاست زیست-محیطی در مدرسه یاری رسانند و اجازه یابند که در نگهداری زمینها و ساختمانهای مدرسه کمک کنند، همچنین بچهها در ار دوهایی با اعضای شورای یاری محله یا نمایندگان منطقهای و نهادهای ملی – دولتی دیدار کنند. این کنشها از آنرو کی کر کی ۔ کر است که به بچهها، در کے از وظیفه خویش داده شود. بی گمان گفتو گو، برای شکل دادن بخش عُمدهای از آموزشُشُـهرُوندی- مدنی. روشی درخور و کاراست. شـاید از اینروست که در ساختارهای نوین آموزشی، زنگهای دایرهای نشستن در کلاس، پیشنهاد شده و اجرا می شود. روشهای پیشگفته،

کنشهایی هستند که آموزش و پرورشهای پیشرو برای آموختن و نهادینه کردن ارزشها و آموزههای شهروندی به کار می برند. اما در ایس میان نقش آموزگار و ساختار چیست؟ و آیااین دو ستون آموزش، تےوان بدیدآوری جنبر پرورشهایی در کشــور ما

۱- گمانــی نیســت که یکی از مهمترین پایههای آمــوزش، آموزگار اســت. ســاختار آموزشــی هــر کشبور بیرای دس به هُدفُهای کلان مـوزشى نيازمند نيروى اسانی آموزشدیده و پرورشیافته، برای پیمودن گامبهگام برنامهها بوده و هر

همراهی و همیــاری آمــوزگاران راه بهجایی نمیبرد. امروزه نیروهای آموزشــی کشــور به دو روش به ساختار آموزشی راه می یابند. یا در کنکور و در رشتههای آموزگاری پذیرفته می شوند. یا کسانی هستند که پس از پایان ی برورش دانشگاه درخواست ورود به آموزش و پرورش را دارند. گروه نخست در دانشگاه، واحدهایی تدریس، روانشناسی تربیتی، فلسفه آموزش و پرورش، مدیریت آموزشی و...است، آموزشها نظـری بـوده و چنـدان راهگشـای آینـده حرفه ای آموز گاران آینده نیست. گروه دوم نیز مدرک غیر آموزشی داشته و در چندسال

آکادمیک برای رشتههای آموزگاری چندان جایی ندارند. از اینرو آموزگاری که خود در ساختار آموزشی نُمرهمدار و کنکور مُحور درس خوانده و مدرک گرفته است، به سختی میتواند آموزگاری کامیاب در آموزشهای شهروندی و گرورش دهنده هوش اجتماعی و جامعه پذیری دانش آموزانش باشد. مگر آن که آموزشهایسی کارا و عملسی دریافت کند و آن امورسهایی دارا و عصبی دریافت نند و آن آموزش ها بتوانند آموزههای شهروندی را در او نهادینه کنند کــه یی گمان چنین زمینهای در آموزش و پرورش و البته دانشــگاه وجود ندارد و هرچه آموز گاران می آموزند و به کار میپرند، ازُ فرآیندُ آموزش است که چندان نقطه اتکایی ۲- اما سد بزرگتر در برابر چ آموزشهایی، ساختار آموزشی است. سامانه آموزشی مااز آغاز تاکنون بر پایه نمره و مدرک پایه گذاری شده است و با همه پیشرفتها و نوآوری های آموزشی در جهان کنونی، همچنان نتوانسته خود را از سایه سنگین آن برهاند. این وضع، دانش آموز و جامعه را از ان برهنده این وسعی اسی رزر . بخشی از حقوق نوین خویش محروم کرده و بی گمان پیامدهای بسیار بدی را در پی داشته و خواهد داشت. در سامانههای نوین و پیشرو ر آموزشــی، بخش فراوانی از برنامههای درسی و درونمایــه کتابهای آموزشــی و روشهای آن، بر چنیــن آموزشهــای متمرکزنــد. اما ســامانه آموزشــی ما دارای زیرســاختهای

ر روز مرافزاری و نرمافزاری درخور برای چنین آموزشی نیست. فرهنگ آموزشی ما از آغاز تاکنون نمسره و معدل محبور و کنکبور مدار بوده و بیش از آن که کیفیت آموزش را هدف قرار دهد، کمیت را دنبال کرده است. در چنین شـرایطی سـخن گفتن از آموزشهای شهروندی چندان پذیرفتنی نیست و خواهان نـدارد! هنگامی که ۶۵درصد سـاختمانهای آموزشیی میا فرسیوده و کهنهانید و فضای ضروری بسرای چنین آموزشهایسی را ندارند، بین «ورسینی» را سازند» مدرسههای شهری بیش از ۳۵ تن در هر کلاس است، محطهای آموزشی فضای آموختهنشدندانش آموزان اموحیدالسیان سی در ری بارفتارهای مدنی وشهروندی مانندمدارا،همراهی،همدردی، درخــور بــرای کار گروهی ِ همیـــاری دانشآمــوزان ا فراهــم نمیکنــد و البته از همه مهمتر هدفهای کلان آموزش و پرورش در این بخش از آموزشها

خشونت پرهیزی و...پیامدهای اجتماعی ژرفوگستردهای دارد که شور بختانه امروزگاهو سگاها: گوشه و کنا، شنیده و ... دیدهمی شود.اگرمی خواهیم جامعه در آینده با پیامدهای وحشتناك نبود آموزشهاي مدنى-شهرونَديروبهرو نشود،بایدامروز تجربه آموزش ونهادینهکردناینگونه ارزشهارا در مدرسه و كلاس فراهم كنيم

هدفهای سنتی آموزش رو آورده و پایـه کار خویش را نمـره و معدل قرار برنامه آموزشـــیای بدون

باً عنــُوان دُرسهای تربیتـَـی می گذرانند و در بخش مهمــی از این واحدها که شــامل روش گذشته أموزش و پرورش بسراي صرفه جويي

. آموختەنشــدن دانشآموزان بــا رفتارھاى مدنی و شهروندی مانند مدارا، همراهی، همدردی، احترام، مسئولت بذیری، خشونت پرهیزی و... پیامدهای اجتماعی ژرف و گستردهای دارد که شـوربختانه امروز گاه و بیگاه از گوشه و کنار شــنیده و دیده میشود. اگر میخواهیم جامعه در آینــده با پیامدهای شُـهروندی روبهرو نشـود، باید امـروز تجربه آموزش و نهادینه کردن این گونه ارزشها را در هُ و كلاس فراهم كني هزینه کنیم تا در آینده از میوههای پربار آن

ر میں . اساکتاند یا ناروشن!

مىتوان چنـدان به چنين

آموزشهایی امیدوار بود و اگر هم آموزگارانی بخواهند

چنین روشهایسی را به کار برند، با دشواریهای فراوانی

روبهرو خواهند شد و چهبس

پُس اُزُ مدتی انگیزه خویش را از دست داده و به همان



## جهان <u>دوم</u>

## **فِ هنگسازی**

ديروز شبكه أى فيلم داشت سريال ابله كمال تبریزی رو که این روزها به شبکه سینمای خانگی ومده، نشــون مے داد. گذشته از ابلهانه بودن سرپال ر (که شــایدبا یکـربــع دیدن قضــاوت عجولانهای باشــه) اما تو همون یک بعی که من این ســر یال عجیب غریب رو دیده دو بار بازیگ رای فیلم برای عام محنه مشلا کمیک فیلم و دید دزدن کوچه

برای این که کسی بهشون مشکوک نشه، شیلنگ به دست در حال آب دادن کوچه و دم در خونه نشون داده شدند! این روز از بحران بی آبی و خُشکُسالی در ایران مدام حرف زده میشه و بعد در یک سریال با این همه کبکیه و دیدیه این طور لابد داره فرهنگ سازی

ازصفحه گوگل پلاس بنفشه جمالی



دبروز شبکه آی فیلم داشت سربال ایله کمال تبریز ی رو که این روزها به شبکه سونمای خانگی اومده رو نشون میداد. گذشته از ابلهانه بودن سربال (که شاید با یک ربع دینن قضاوت عجولانه ای باشه) اما تو همون یک ربعی که من این سزیرال عجیب غریب ر و دیدم دو بار بازیگر ای فیلم بر ای خلق ص متان کمیک فیلم و دید زدن کوچه برای این کسی بهشون مشکوک نشه، شیلنگ به دست در حال أب دان كوچه و دم در حونه نشون داده شدند!! این روزا از بحران بی آبی و خشکسالی در ایران مدام حرف زده میشه و بعد

نر یک سربال با این همه کیکیه و دیدیه این طور لاید داره فرهنگ سازی

Translate